

تاکتیک های معرفی عرفان اسلامی در تقابل با معنویت های نوظهور

میشم علی بالائی^۱

چکیده

امروزه در جهان بیش از 4000 مکتب عرفانی نوظهور به وجود آمده است که هر کدام از آن ها به شیوه های مدرن و جذاب به تبلیغ و ترویج عقاید خود در بین جوانان می پردازند به طوری که امروزه بسیاری از جوانان جذب آنها شده اند و این در حالی است که عرفان اسلامی که دارای عالی ترین مضامین عرفانی است متأسفانه به دلیل نا آشنا بودن مبلغان معارف اسلامی با مفاهیم و مضامین عالی عرفان اسلامی نه تنها باعث گمراهی دیگران گردیده اند بلکه چهره ای منفی از عرفان اسلامی در ذهن دیگران بر جا گذاشته اند از طرفی دیگر به دلیل مطلع نبودن اکثر مبلغان با شیوه های تبلیغاتی و اطلاع رسانی مدرن امکان معرفی عرفان اسلامی به صورت قابل فهم و کامل با مشکل مواجه شده است که همین امر باعث ظهور و گسترش عرفان های نوظهور برای رفع تشنگی جنبه عرفانی انسان گشته است در این مقاله سعی شده است راهکارهایی بیان گردد که توسط آن ها می توان عرفان اسلامی را با شیوه های جدید و کاربردی توسط مبلغانی که شرایط تبلیغ را داشته باشند به مردم سرتاسر عالم معرفی نمود.

Abstract:

Today in the world there have been more than 4,000 emerging mystical schools. That each of them modern and attractive way to promote their ideas among the youth. So that today many young people are attracted to them and this despite the fact that Islamic mysticism is the highest mystical themes. Unfortunately, due to the anonymity of Islamic preachers with great concepts and themes of Islamic mysticism is not only misleading but others have been negative image of Islamic Sufism has left in the minds of others. On the other hand, due to the lack Get maximum amount of advertising practices and information with modern. The possibility of introducing Islamic mysticism is difficult to understand and complete Which leads to the emergence and spread of new knowledge to meet the spiritual aspect of man's thirst has been. In this article we have tried to find ways to be expressed that Islamic mysticism by which they can be applied to new practices and conditions promoted by the missionaries that have introduced to people around the world.

1- دکتری عرفان اسلامی و عضو باشگاه پژوهشگران جوان

کلمات کلیدی :

عرفان اسلامی، عرفان های نوظهور، تبلیغات، مقابله با تهاجم فرهنگی، جنگ نرم.

مقدمه

تبلیغ در اسلام، موضوعی است که دارای اهمیت ویژه ای می باشد. درک اصول، شرایط، ویژگی ها و ابزار تبلیغ اسلامی می تواند راهگشای ما در این عصر باشد. پیامبر اکرم (ص) با بکارگیری یک سیره تبلیغی منسجم و هماهنگ بود که توانست ایده های ناب و زلال الهی را به گوش جهانیان برسانند. البته برای ما که در عصر ارتباطات به سر می بریم، درک ماهیت این حرکت ضروری است زیرا تبلیغ، محتاج یک الگوی سالم است که در صورت فقدان آن، هرگونه فعالیت تبلیغی، نوعی ضد تبلیغ محسوب می شود. نوآوری در خصوص مفاهیم دینی و تبیین معارف و پیام های دینی، کاربردی بس دامنه دار دارد. البته ذکر این نکته نیز ضروری است که پای بندی به سنت، نمی تواند مانعی برای نوآوری و شکوفایی باشد.

در روزگاری که نبرد فرهنگ و تمدن در دنیای جدید بالا گرفته است، فرهنگ و تمدن باقی می ماند و به شکوفایی می رسد که به دنبال راه های نو برای پاسخ به نیازهای آحاد جامع بشری باشد. بدون تردید، فرهنگ و تمدن انسان ساز اسلام از 1400 سال پیش تاکنون توانسته متناسب با نیازهای انسان در هر عصر، راه های نو و بدیعی را برای زندگی و نزدیکی هر چه بیش تر به معبود ارائه نماید و با نگرشی کلان، به تعالی نوع بشر کمک نماید. بدون تردید ترویج این مکتب از مهم ترین وظایف عالمان دین است که آشنا بودن آن ها با راهکارهای رایج تبلیغات علوم دینی یک امر مهم تلقی می شود لذا این مقاله سعی دارد ت به طور خلاصه مروری بر این راهکارها و نحوه عملکرد مبلغان داشته باشد.

بیان مساله و اهمیت تحقیق

عرفان اسلامی با وجود مضامین عمیق معرفتی و حکمتی بی همتا همچنان مکتبی است که ابعاد آن به طور کامل معرفی نگشته است و این عدم معرفی باعث ایجاد تشنگی عظیم در دل جوانان گشته است که این تشنگی باعث دیدن سراب خواهد شد به طوریکه هر مدعی را حق و هر مکتبی را صحیح پندارند اما در اینجا این سوال پیش می آید که چرا این تشنگی ایجاد شده است؟ در پاسخ به این سوال فرضیه ای که می توان داد آن است که علت آن عدم فعالیت صحیح مبلغان و بعضا عدم داشتن ویژگی های شخصیتی مبلغان است در اینجا سوالاتی نیز مطرح است و آن اینکه در حال حاضر چه راه هایی برای برطرف نمودن این تشنگی وجود دارد؟ و چگونه می توان آب حقیقی را از سراب تشخیص داد؟ ویژگی های اطلاع رسانی صحیح کدام است؟ مبلغان چه ویژگی هایی باید داشته باشند؟ آیا براسستی با معرفی عرفان اسلامی این تشنگی و عطش بر طرف خواهد شد

بدیهی است با پاسخ به این سوالات و ارائه یک طرح عملی و کاربردی جهت معرفی صحیح عرفان اسلامی راه برای ورود مکاتب عرفان های نوظهور به طور کامل بسته خواهد شد چرا که آنها به راستی دیگر حرف جدیدی برای نسل جوانان و مردم دنیا نخواهند

داشت و به همین جهت این تحقیق و ادامه دادن راه این تحقیق و شناخت دقیق نیازهای زمانه و ارایه مطالب در خور نیازهای آنها که راه را برای نفوذ مکاتب ساختگی باز نکند بسیار اهمیت و جایگاه ویژه ای خواهد داشت

روش تحقیق :

روش تحقیق در این مقاله از نوع کتابخانه ای و بررسی کتب مختلف و معتبر می باشد

راهکارهای ترویج عرفان اسلامی

ترویج عرفان اسلامی کار ساده ای نیست، در برابر ما سرمایه های زیاد، رسانه های گسترده و برنامه ریزهای پیچیده ای در کار است. و ما باید تازه با روشنفکران غیر دینی خود درباره اینکه معنویت های نوظهور یک خطر است، مناظره کنیم. در حالی که اگر تمام آنها به میدان بیایند و برای روشن کردن خرد و معنویت مردم بکوشند، هنوز بسیار کمتر از جبهه مقابل نیرو داریم. اما به هر حال باید به اندازه توان تدبیر کنیم و بردبار باشیم که خداوند وعده داده است **إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عَشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتِينَ** وَ إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ يَغْلِبُوا أَلْفًا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ (انفال/65).

اول : نشان دادن نتایج پیروی از عرفان اسلامی در دنیا و آخرت

باید یک کار علمی جدی را آغاز کنیم و عرفان و معنویت اسلامی را در عین اوجی که دارد در مراتب پایین تر که بتواند نیازها و انتظارات فوری تر بشر را پاسخ گوید، ارائه دهیم و راه مستقیم تا والاترین مراحل معنوی را ترسیم کنیم. به انسان امروز باید توضیح دهیم که معنویت دینی می تواند آرامش، امید، شادمانی، عشق، نیروهای عظیم درونی و صفات عالی الهی را که در جان فرزندان آدم به ودیعه نهاده شده، کشف و شکوفا سازد. خلاقیت و نوآوری، موفقیت، زندگی شادمان بارزترین پیامدهای رویاوری به معنویت دینی است که عزت و آزادگی و بینش درست و طراوت پاکی و پرهیزکاری و روشنائی را نیز به ارمغان می آورد و خشنودی خداوند را به جانهای آرام بندگان بی دریغ می بخشد.

یکی از آسیب های علمی در اخلاق و عرفان اسلامی کم توجهی به نتایج ملموس و پیامدهای این جهانی زندگی معنوی و اخلاقی زیستن است. با توجه به منابع دینی و صریح آیات و روایات می توانیم مباحث جدیدی را ذیل عناوین معنویت و موفقیت، مبانی معنوی خلاقیت، تأثیر اخلاق و معنویت در شاد زیستن و... مطرح کنیم که برآستی در سطوحی بسیار عمیق تر و در صورتی بسیار جذاب تر از آنچه امروزه ارائه می شود، مطالب ارزنده ای را به دست خواهد داد. رویکرد پیامد گروانه یا نتیجه گروانه بسیار جذاب تر، انگیزه سازتر و برای شروع کارآمدتر است.

دوم: صحبت کردن به طور صریح ، واضح و روشن در مورد عرفان اسلامی

مسئله دیگر این است که معنویت و عرفان در فرهنگ ما به نوعی رازمگو تبدیل شده و همین موضوع سبب حبس و مانع ترویج و گسترش آن بوده است. در حالیکه با جریان بخشیدن به معنویت آن را در درون خود پویا و بالنده می سازیم و در صورت حبس به رکود و فرسایش آن دامن زده ایم. اگر افراد معنوی و شخصیت های بارز در این وادی به راحتی از آن صحبت کنند و جان مردمان

را ندیده نگیرند و آنها را نامحرم ندانند، قلب‌های خفته بیدار شده و رانده شدگان و گمگشتگان، راه می‌یابند و بازمی‌گردند. چرا باید مواردی نظیر حضرت ایت الله شاه‌آبادی که عرفان را به سرمبر مسجد و بازار فریاد زدند بی‌نظیر باشند. اگر اساتید و استوانه‌های عرفان رویکردی اجتماعی اتخاذ کنند، در شاگردان‌شان هم کسانی برمی‌آیند که ترانه عرفان را در دنیا طنین اندازند و انقلاب‌های بزرگ معنوی و اجتماعی را بر شالوده عرفان و معنویت بنیان گذارند. عرفان تا آنجا که به زبان می‌آید و رازی برملاست، شاهد بازاری است. در حالی که توسعه عرفان اسلامی نیازمند مولوی‌ها و عطاری‌هایی است که از شوریدگی پروا ندارند و وقار و سجاده نشینی را در راه عشق می‌بازند و بازیچه کودکان کوی می‌شوند.

به نظر می‌رسد اگر ما می‌خواهیم نسل جوان جدید را جذب کنیم و اینها را به سنت فرهنگ اسلامی سوق دهیم، باید نگره‌های تازه‌ای برایشان ایجاد کنیم و آنها را به این تفکر بکشانیم که تو در عین این که فردیت خود را داری و حفظ می‌کنی، می‌توانی سنت را هم داشته باشی و لزومی ندارد که وقتی فردیت داری، سنت را فدا کنی یا وقتی سنت داری، فردیت خود را رها کنی. این شبهه‌ها و مشکلات را اگر بتوانیم با تشکیل جلسات تخصصی و مراکز فرهنگی کاملاً معنوی و عمیق بررسی و تبلیغ کنیم، خیلی از جوان‌ها جذب خواهند شد. جوان‌های ایرانی دوست ندارند از سنت جدا شوند، به شکلی پا در هوا هستند، نه می‌خواهند یکسره جذب مدرنیته شوند یا یکسره جذب سنت شوند، دوست دارند که هر دو را با هم داشته باشند و نمی‌دانند چکار کنند، این را بارها جوان‌ها از بنده پرسیدند. مشکل اصلی جوان‌ها اینجاست که باید روی این مسائل فکر کرد و جلسات تخصصی و میزگرد تشکیل داد تا کارشناسان راجع به این موضوع به بحث بنشینند و راه حلی ارائه کنند. (مجتبی، مقاله عرفان اسلامی و چالش‌های جهان معاصر، روزنامه جام جم پنج شنبه 29 بهمن 1388)

سوم: نماد سازی

عرفان باید در صحنه عمومی جامعه ظاهر شود و خودنمایی کند، باید از ابزارهای هنری و فرهنگی برای ترویج عرفان اسلامی بهره برد. برای گسترش عرفان اسلامی باید نمادسازی کرد، در این زمینه هنوز اقدامی نشده است. نماد عرفان اسلامی در بهترین حالت؛ مردی با لباس سفید، کلاه کشیده و در حالت سماع است. که اصلاً ربطی به عرفان اسلامی ندارد. آینده معنوی جهان در دست کسانی است که می‌توانند اندیشه‌های معنوی خود را در فرهنگ عمومی جامعه تثبیت کنند. باید معانی بلند به سهولت تبیین شوند تخیل پاک در کار آید و دستان هنرمند حرکت کنند تا برای دریافت معانی عرفانی نمادهایی به وجود بیایند هنرمندان فعالیت‌های خود را در عرصه‌های ادبیات، موسیقی، فیلم و ... آغاز کنند.

چهارم: کاربردی سازی و نوشتن رمان برای ایجاد فرهنگ عرفان اسلامی

برای عرفان اسلامی می‌توان رمان‌های فراوانی نوشت، برای مثال، پائلو کوئیلو می‌آید و یکی از داستانهای مثنوی معنوی را به یک رمان تبدیل می‌کند که به برترین رمان دنیا تبدیل می‌شود، در حال حاضر رمان کیمیاگر در مدارس و دانشگاه‌های بعضی از کشورهای جهان تدریس می‌شود. نوشته‌های عطار، حافظ و دیگر مشاهیر ایرانی قابلیت این چنینی دارند. نباید از ذهن آگاه و خلاق

نویسندگان امروز نیز به سادگی گذشت. در این زمینه کارهای فراوانی می توان انجام داد. سرمایه گذاری لازم باید در این عرصه صورت بگیرد. همچنین می بایست داستان های قدیم معرفتی را با همان مضمون به داستان های معرفتی امروزی تبدیل کرد که تمام این امور نیازمند گذاشتن وقت کافی و سرمایه لازم و بهره مندی از نیروی انسانی توانا می باشد در عین حال باید یک نکته را یادآوری نمود و آن این است که باید عجله کرد چرا که هر لحظه تاخیر در انجام این امور موجب از دست دادن سنگرهای فرهنگی و فتح آن به دست دشمن خواهد بود.

پنجم : همکاری همه جانبه همه افراد با هم

هر کس به اندازه ای که می داند و می یابد، مسئول است تا دست دیگران را بگیرد. اگر انسجام میان آموزه های دینی را در نظر بگیریم آنگاه روشن می شود که امر به معروف تنها سرگردان کوچه پس کوچه های فقه و احکام شریعت نیست، بلکه پادشاه ملک معرفت است. معروف از نام های خداست و هر کس به اندازه ای که او را می یابد و می بیند و از جام تجلی می نوشد باید به دیگران هم بنماید و بچشاند.

ششم : تاسیس موسسات آموزشی و پژوهشی

با توجه به کاستی هایی که در حوزه تعلیم و تربیت در این موضوع وجود دارد. مؤسسات آموزشی و پژوهشی باید شکل بگیرد که به طور اختصاصی به این موضوعات بپردازند. از آن رو که این مؤسسات با کمی تأخیر، می توانند کارهای بزرگی انجام دهند و نیازمند فرصت مطالعاتی و تربیت پژوهشگر توانمند در این زمینه هستند، باید مورد حمایت های اولیه قرار گیرند و سپس به مرحله خود کفایی برسند. چنین طرحی در پژوهشگاه های موجود با توجه به اهداف و برنامه های رایج و معمول در این مجموعه ها قابل اجرا نیست.

موضوع دیگری که حمایت از این مؤسسات مستقل و تخصصی را ضروری می سازد، گذشته از نیاز به کار محض و اختصاصی، ضرورت کاربردی بودن این تحقیقات است. در صورتی که پژوهشکده ای نوع سوم در این موضوع شکل گیرد هم از توانایی های مراکز علمی و آموزشی موجود استفاده شده است و هم تحقیقات به طور انتزاعی و غیر کاربردی و صرفاً آکادمیک صورت نمی گیرد. پژوهشکده های نوع سوم در متن یا کنار مراکز علمی و آموزش شکل گرفته و از سوی سازمان ها و مؤسسات اجرایی و دولتی در قالب پروژه ها حمایت می شود. این نوع پژوهشکده ها در حوزه علوم فنی مهندسی ایجاد شده، اما با توجه به اینکه در ایران حکومت اسلامی وجود دارد در حوزه علوم اسلامی نیز باید نظیر این پژوهشکده ها ایجاد گردد.

در شاخه فرهنگی این بنیاد گروه های حرفه ای برای استفاده از بهترین قالب های نشر، گروه های قوی اجرایی برای برگزاری مراسم های معنوی به صورت های جدید و استفاده از شیوه های هنری و مؤثر در برنامه ها و نیز گروه ادبیات برای نگارش و ویرایش مناسب و آراسته تولیدات ضروری است. در شاخه فرهنگی باید افراد فعال سخنرانان و نویسندگان و معلمان موفق در زمینه های معنوی هستند شناسایی شده و دعوت به همکاری شوند.

هفتم: تولید و نشر محصولات فرهنگی از قبیل نشریه، نرم افزار، موسیقی و...

بدیهی است که تولید و نشر محصولات فرهنگی در زمان امروزی که جنگ فرهنگی از مسایل روز است به عنوان مثال نشریاتی که به صورت ماهانه و فصلانه منتشر می شوند یک روند ملایم و مستمر تأثیرگذاری را دنبال می کنند و پس مدتی این جریان به رسوب آموزه ها و پیدایش جهت گیری های فکری و تحولات رفتاری و بینشی منجر می شود.

در نشریات با فضاها و رویکردهای گوناگون سلاقی مختلف جذب می شوند. نشریه ای که روی ادبیات معنوی کار می کند و ادبیات کلاسیک و جدید را در دستور کار خود قرار می دهد. نشریه ای در حوزه تفکر و اندیشه معنوی، نشریه ای در موضوع معنویت و خانواده که به روابط معنوی زن و شوهر و والدین و فرزندان در تربیت و رفتارهای عادی می پردازد. و نمونه های بسیاری که می تواند معنویت را به متن زندگی بکشد. شکوه زندگی معنوی را آنطور که اسلام در نظر دارد به مردم نشان داده و شیرینی آن را به کامشان بچشاند.

بدیهی است که تولید نرم افزارهای متوالی و متناسب، تولید موسیقی های آرام و جذاب عارفانه با مضمون عرفانی با صدای خوانندگان خوب، تولید سایت های اینترنتی مناسب برای پاسخ به پرسش های جوانان، تولید بازی های فکری عارفانه، تولید نرم افزار و بازی ها و اس ام اس های عرفانی برای موبایل و... که با توزیع آن در بین جوانان و نوجوانان بسیار می تواند در این راستا به یاری افراد پردازد

هشتم: بهره مندی هر چه بیشتر از قرآن و شریعت

گنجینه بزرگ شریعت که هر عمل کوچکی در آن گوهری گران بها، مراقبه ای بزرگ و پلی به سوی عالم غیب و معنا و ملکوت عالم است، با تأسف و سوگ بسیار دست نخورده مانده و کسانی که به آن عمل می کنند به این گنجینه دست می کشند و گوهری بر نمی دارند.

قرائت قرآن و تکرار کلمات خداوند، واژگان و معانی بلندی که از حقیقت نامتناهی نور و قدرت و عشق و زیبایی جاری شده، اگر با کمی توجه و آمادگی انجام شود، اگر چه به اندازه یک سطر خوانده شود، انسان را از تاریکی ها خارج کرده و از عشق و روشنایی سرشار می سازد.

وضو از دل انگیزترین مراقبه هایی است که رحمت بی کران خداوند را در صورت آب که مظهر رحمت و لطافت است به حس بشر می چشاند و هستی او را در پاکی و صفا غرق می کند. همچنین سجده و سایر اجزای نماز، عشق بازی زن و مرد در نهاد خانواده که سرشار از آیات مودت و رحمت الهی است، نگریستن به پرندگان و ستارگان و گیاهان و روز و شب و آسمان و زمین که همه و همه نشانه های قابل تفکر خداوند است مراقبه های تحول آفرینی را رقم می زند که برای بهره بری از آنها باید برنامه های آموزش مؤثر و دل پذیری طراحی شود و در دوره های آموزشی ارائه گردد.

نهم: برگزاری کلاس ها، همایش ها و ... برای قشر عام و خاص

مباحثی نظیر معنویت و شادی، معنویت و خلاقیت، معنویت و موفقیت و غیره نیز در قالب همایش و به طور فاخر و هنرمندانه قابل اجراست. همچنین برگزاری کارگاه های مختلف و جلسات پرسش و پاسخ، کلاس های مختلف نظری و عملی در حوزه عرفان اسلامی و... نیز بسیار دارای اهمیت است برگزاری کلاس آشنایی با عرفان اسلامی و نقد و بررسی عرفان های نوظهور برای معلمان و اساتید دانشگاه و فعالان عرصه فرهنگ و رسانه بسیار کارساز و موثر خواهد بود چرا که آن ها پرورش دهنده و تربیت کننده نسل جوان و نوجوان خواهند بود هدایت آن ها هدایت یک جامعه است و گمراهی آن ها سبب گمراهی یک جامعه خواهد شد

در عین حال باید بستر لازم برای بیان شیوه سلوک ائمه اطهار و روش ایشان که نتیجه آن ایجاد حب در دل مردم نسبت به آنان خواهد شد فراهم گردد که این کار می بایست توسط مبلغان اسلام در عمل و نه تنها در سخنرانی انجام گیرد هر چند برگزاری جلسات سخنرانی در این راستا از ضروریات است

دهم: نقش رسانه ها در ترویج عرفان اسلامی

کار اصلی رسانه ها آگاهی دادن است چه به صورت علمی یا به صورت هنری. اولین انتظار این است که حتی به شکل ناآگاهانه مسبب ترویج عرفان های منفی نشود. البته در این راه نیاز به پشتوانه علمی از سوی حوزه و دانشگاه داریم و بعد از برنامه ریزی مدیران و اجرای هنرمندان می توان به نتیجه مطلوب رسید. اگر بتوانیم خلأ معنویت را پر کنیم کمتر شاهد جریانات منحرفی مثل شیطان پرستی خواهیم بود. حداقل با این شیوه می توان از رشد و توسعه گرایش های انحرافی جلوگیری کرد و جامعه را از خطر بحران نجات داد؛ اگرچه ممکن است گروه یا گروه هایی باشند که با هیچ شیوه تعلیم و تربیت قابل هدایت نباشند. وَاللَّهُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ (البقره/213).

اما کارهایی را که می توان انجام داد و رسانه ها در ترویج آن نقش بسیاری دارند به این شرح قابل تعریف است:

- شناسایی ابتلائات عام معنوی و اخلاقی جامعه و برنامه ریزی جهت آسیب زدایی در محورهای شناخته شده.
- الگوسازی و بازنمایی شخصیت های برجسته اخلاقی و معنوی و انتشار زندگی نامه آنها و تهیه فیلم زندگی ایشان.
- استفاده از رسانه ملی (صداوسیما) در توسعه معنویت در جامعه اسلامی با تولید و پخش برنامه هایی با مضامین معنوی و زیر نظر کارشناسان زبده و پرهیز از پخش هرگونه برنامه ای که الگوسازی منفی به دنبال دارد.
- استفاده از ابزار پرنفوذ هنر در ارتقای سطح معنوی جامعه و دعوت از هنرمندان (شاعران، طراحان، داستان سرایان، فیلم سازان، خوش نویسان) برای تولید فیلم، رمان، داستان، تابلوهای نقاشی، طراحی، خوشنویسی، پویانمایی (انیمیشن) و سرود با موضوعات معنوی.

- باید با سیاست گذاری‌های اقتصادی، فرهنگی، تبلیغی و... که منجر به کمرنگ شدن ارزش‌های اخلاقی در جامعه می‌شود از قبیل تبلیغ تجمل‌گرایی و دامن زدن به روحیه تکاثر، چشم هم‌چشمی و... از طریق ساختن فیلم‌هایی که ساده زیستی و یا عدم وابستگی به مادیات را در باطن خود آموزش می‌دهد مقابله و مبارزه کرد

- بهره گرفتن از فنون روانشناسی اجتماعی و تکنیک‌های تبلیغاتی برای ترویج معنویت اسلامی.

یازدهم: ارائه الگوهای مناسب

الگوهای جذاب، برای یادگیری و شکل دهی رفتار انسان‌ها، به ویژه جوانان، نقش اساسی دارد. در دوره نوجوانی و جوانی، تأثیرپذیری از خانواده به شدت کاهش می‌یابد و گاهی بین خانواده و جوان تعارض و درگیری به وجود می‌آید. از این رو، جوان برای ساختن نظام ارزشی و اعتقادی خود می‌خواهد از چیزهایی غیر از خانواده و مربیان قبلی استفاده کند. از عوامل تأثیرگذار در بیرون نهاد خانواده، الگوها و دوستان هستند. در این میان، نقش الگوهای مورد قبول جوان بسیار زیاد است؛ چه اینکه دوستان نیز در حال ساختن نظام ارزشی خود و نیازمند الگوهای مورد پسند می‌باشند. در این شرایط، اگر الگوهای مناسب و در دسترس وجود نداشته باشد، جوان دچار سردرگمی شده و تعادل روانی او از مرز ارزشی خارج می‌شود. در این صورت، چه بسا به الگوهای مجازی پناه برده و یا تحت تأثیر دوستان کم تجربه قرار گیرد و یا به دام شیادانی بیفتد که در کمین جوانان سردرگم هستند و در نتیجه، شرایط و زمینه‌های گریز از دین برای او فراهم می‌شود (شاکرین، 1385، ص 251)

بهره‌گیری از شخصیت‌های مقبول و محبوب اخلاقی و معرفتی به ویژه اگر آنان زنده باشند و در همین عصر و زمان حاضر زندگی می‌کنند و بیان نکته‌های زندگی معنوی و معرفتی ایشان بسیار می‌تواند در کسب بینش جوانان کارساز باشد البته منظور این نیست که فقط زندگی عرفا و علمای جامعه مطرح گردد بلکه می‌توان به طور مثال از هنرمندان و ورزشکاران متعهد به مسایل اخلاقی و معرفتی نام برد و جلوه‌های حیات اخلاقی و معرفتی آنان را بیان کرد. مطمئناً این راه یکی از تأثیرگذارترین راه‌ها خواهد بود

از طرفی دیگر اگر بتوان این امکان را فراهم کرد که افراد با این دسته انسان‌های عارف دیدار چهره به چهره داشته باشند بسیار موثرتر واقع خواهد شد

پیامبر اکرم در این خصوص می‌فرماید:

«أَسْعِدُ النَّاسَ مَنْ خَالَطَ كِرَامَ النَّاسِ»؛ خوشبخت‌ترین مردم، کسی است که با مردمان بزرگوار درآمیزد. (مجلسی، 1368، ص 74/185)

انسان به فطرت خود، کمال دوست و کامل جو است. او به کمال عشق می‌ورزد و در پی آن می‌دود. در عرصه تربیت دینی جایگاه الگوجویی آشکارتر است. به دلیل پیوند میان آموزش و پرورش دینی، جوان درصدد یافتن الگوهای بشری است که شاهد گویای ثمره عمل به دین باشند. برای نسل نو ارائه آموزه‌هایی بدون مصادیق مجسم و موفق و کمال یافته، چون نظریاتی انتزاعی است که با جهان آدمی بی ارتباط است. افزون بر آنکه نوجوان و جوان زندگی خویش را با کاوشی از الگوهای انسانی برتر می‌آغاز (آغاز می‌

کند). اگر آنها را در دین گرایان نیابد، در دین ستیزان می کاود و تارفع این نیاز هرگز نمی آساید. الگوهای دینی نباید به مثابه فوق بشر؛ بلکه باید بشر مافوق تلقی شوند، زیرا موفق بشر نمی تواند الگوی نیکویی برای آدمی باشد. (ساجدی، 1384، ص 237)

دوازدهم: تقویت بینش دینی جوانان و شناساندن فرهنگ غرب به آنان

در مواردی دین چنان به جوان معرفی می شود که گویی مانع ارضای نیازهای اوست. چنین تصویری در نهایت، به دین گریزی می انجامد. جوان در شرایطی قرار دارد که انواع غرایز، به ویژه غریزه جنسی و لذت طلبی، در او به نقطه اوج رسیده و عوامل بیرونی نیز او را احاطه کرده و آتش شهوت را در او برافروخته می کند.

حال اگر دین به گونه ای ترسیم شود که گویی مانع ارضای غرایز اوست و راه کاری برای ارضای آنها ندارد، طبیعی است که نسبت به دین گریزان می شود و دین پذیری را مساوی با سرکوب غرایز خود می انگارد.

افزون بر آن، روحیه استقلال طلبی، حریت و قطع وابستگی، از جمله ویژگی های روحی جوان است. او یک دوره گذار از وابستگی به استقلال را طی کرده و می خواهد با اراده آزاد خود انتخاب کند. از نظر اخلاقی نیز مرحله اخلاق «دیگر پیرو» (تقلیدی) را پشت سر گذاشته و وارد مرحله اخلاق «خود پیرو» گردیده است. او از هر مانعی - هر چند - تخیلی گریزان است و می خواهد در رفتار، گفتار، تفکر و انتخاب آزاد باشد.

گرچه عدم تربیت صحیح روحیه استقلال طلبی و پیروی بی چون و چرا از غرایز و لذت طلبی افراطی، برای جوان بسیار خطرناک است، اما در بدو امر، هر چیزی که بخواهد محدودیتی برای او ایجاد کند امری ناخوشایند تلقی می شود، مگر اینکه راه کارهای دین برای ارضای سالم غرایز به خوبی برای او ترسیم شود.

یقین به حقایق با عظمتی همچون آفریدگار جهان، پیامبران الهی و رستاخیز نوعی تعهد در انسان پدید می آورد و میزان معنویت او را در برابر یورش فرهنگی بیگانگان افزایش می دهد. به عبارت دیگر، تقویت باورهای دینی و پی ریزی بینشی درست در زمینه مذهب و سیاست می تواند همچون سنگری نفوذناپذیر مردم را در برابر بمباران فرهنگی دشمن محافظت نماید و سودجویان غرب را ناکام و ناامید سازد. بی تردید، چنین ایمانی جامعه را به جهت گیری صحیح رفتاری رهنمون می نماید و از کژروی و ناهنجاری ها باز می دارد. قرآن کریم در این باره می فرماید: "يَهْدِيهِمْ رَبُّهُمْ بِإِيمَانِهِمْ" (یونس: 9)؛ پروردگارشان به سبب ایمانشان هدایت می کند.

سیزدهم: شناسایی دشمن و اهداف و وسایل وی

بی تردید، شناسایی دشمن و اهداف وی از الفبای مبارزه به شمار می آید؛ برای رویارویی با یورش فرهنگی نیز باید فرهنگ دشمن و ویژگی های آن مورد بررسی دقیق قرار گیرد.

چنین تحقیق وسیع و همه جانبه ای، اندیشمندان را در شناخت درست ردپای انحراف یاری می دهد.

از سوی دیگر، باید اهداف دشمن، ابزار و شیوه های مورد استفاده وی شناسایی شود. آگاهی از ابزار و شیوه های مورد استفاده یورش گران می تواند مسئولان را در خلع سلاح مهاجمان کمک کند و نقشه های آنان را خنثی سازد. (مرکز تحقیقات اسلامی نمایندگی ولی فقیه، 1378، ص 141-142)

این عرفان ها می توانند تقسیم بندی های مختلفی داشته باشند و نمی توان با همه آنها به یک گونه برخورد کرد، اینها هر کدام یک معنا و موضع دارند باید اینها را تفکیک کرد. بعضی از آنها به گونه ای ریشه های دینی دارند و جوانه هایی از درخت کهنسال دین در سنت های مختلف هستند مثل دراویشی که ما اکنون در کشور داریم، به هر حال اینها بر تنه درخت سنت رسته اند مانند نعمت الهی ها، صفی علی شاهی ها و... که خود را جدا از سنت گذشته نمی دانند، برخی از این عرفان ها هم کاملاً زاده افکار مدرن هستند مثل گروه هایی که در آمریکا و اروپا به وجود آمده اند مانند گروه های شیطان پرستی، خداگریز، ایپسم و پانکیسم، ریپسم و... اینها دیگر خود را برخاسته از سنت نمی دانند، بلکه خود را نوعی تحرک علیه وضعیت مدرن می دانند. عده ای هم حالت بینابین دارند، نه سنت را خوب می توانند درک کنند و نه دل به مدرنیته دارند، می گویند که ما پست مدرنیسم، می گویند که ما زاده مبارزه با عقلانیت مدرن هستیم، عقل ما را ارضا نمی کند و جهت نمی دهد، بنابراین وضعیت سومی را به وجود آوردند. بعضی از اینها هم پالوده عرفان های گذشته هستند، یعنی همان عرفان های گذشته هستند که به شکل جدید ظهور پیدا کردند و حرف جدیدی ندارند. عده زیادی هم زاده شیبادی بعضی از کسانی هستند که از دلدادگی و سادگی انسان معاصر سوء استفاده می کنند، به همین خاطر معتقدم که باید اینها را تفکیک کرد و نباید به یک شکل با آنها برخورد کرد، اما همه اینها زاده نوعی نیاز در انسان امروز است که به قول یکی از متفکران که می گوید قرن بیست و یکم قرن افسردگی لقب خواهد گرفت، یعنی بشر مدرن همه چیز دارد، جز دل و عشق. این افسردگی شروع شده از قرن 19 را عرفان های جدید جذب می کند، نباید آنها را بد تلقی کرد، بلکه باید با آنها خوب برخورد و آنها را جذب کرد

چهاردهم. زدودن فقر اقتصادی و اشتغال سازنده و مفید

تنگدستی را شاید بتوان از پلیدترین پدیده های جامعه به شمار آورد. بی تردید، بسیاری از ناهنجاری های اجتماعی همچون سرقت، ولگردی، گدایی، خودفروشی، و اعتیاد به علت تنگدستی و بی چیزی به وجود می آید. نگاهی گذرا به بزهکاران و ساکنان ندامتگاه ها ما را به این حقیقت دردآور رهنمون می نماید که شمار بسیاری از آنان در اثر تهیدستی، پای در این راه شوم و بدفرجام نهاده اند.

پدیده فقر در هر جامعه ای که چهره کریه خود را به نمایش بگذارد، مانند سیلی بنیان کن زیربنای تمامی ارزش های انسانی را از بن ویران می سازد و کاخ های کرامت و شرافت آدمی را به بیغوله های ننگ و بدنامی تبدیل می کند. (مجلسی، 1362، ج 10: 219، ج 72، ص 144-145)

یکی از عوامل مهم در سلامت فرد و جامعه، اشتغال سازنده و کار مفید است. اشتغال سازنده زمینه شکوفایی استعدادها و بروز خلاقیت ها و ابتکارات را فراهم می آورد و کار و تلاش، شرایط را برای رشد و پیشرفت جامعه مساعد می سازد.

بیکاری موجبات تنبلی، سستی، افسردگی و قساوت قلب را فراهم می آورد. گسترش بی کاری در جامعه سبب افزایش فقر و ناتوانی و در نتیجه، ازدیاد فساد و فحشا شده و به کفر می انجامد. تا آنجا که ممکن است عده ای برای گذراندن زندگی و کسب درآمد به تخریب عرفان اسلامی و گسترش عرفان های نوظهور روی بیاورند

عدم اشتغال ذهنی، تخیل گرایی منفی، آلودگی فکری، آسیب پذیری سلامت روانی و عاطفی را به همراه دارد و عدم اشتغال جسمی رکود و سستی و تنبلی و بیماری جسمی و بدنی را دامن می زند و خمودی و ناتوانایی را دنبال می کند. به همین دلیل، «کار به عنوان یک عامل سازنده بسیار مهم در تربیت اسلامی قلمداد گشته و بی کاری و فقر به شدت نفی شده است.» (مطهری، 1367، ص 258)

همچنین همان طور که گفته شد باید با باید با سیاست گذاری های اقتصادی، فرهنگی، تبلیغی و... که منجر به کم رنگ شدن ارزش های اخلاقی در جامعه می شود از قبیل تبلیغ تجمل گرایی و... از طرق مختلف مقابله و مبارزه کرد.

پانزدهم : جایگزین کردن و بهینه کردن تفریحات و موارد حلال و مفید با محرمات

در این رابطه باید به نکات زیر توجه کرد :

اولاً، تربیت در پرتو احساس اشتیاق متری حاصل می شود و غالب جوانان اشتیاقی به نهی و منع ندارند. ارائه جایگزین های دلنشین می تواند رغبت آفرین باشد.

ثانیاً، بسیاری از ممنوعیت های دینی، لذا ید مادی است که جوان به طور غریزی در پی آنهاست؛ ارتکاب آنها راهی به سوی ارضای نیازهای غریزی و ترک آنها به منزله نبرد با گرایش های درونی است. بدین روی، هدایت جوان نمی تواند چگشی انجام گیرد و امیال درونی وی به فراموشی سپرده شود؛ بلکه باید با ارائه طریق مناسب و جایگزین مشروع برای ارضا همراه شود.

ثالثاً، جوانی که به محرماتی عادت کرده است، ترک عادت او را به تنش شدید روانی دچار می کند. در صورتی می توان از این تنش های طاقت فرسا جلوگیری کرد که عادات جایگزین حاصل شود.

رابعاً، منع ها غالباً وقت آفرین است. اگر با ترک رفتارهای مضر اوقات فرد خالی می شود لازم است که به وجهی نیکو پر شود، وگرنه فرصت اضافی ممکن است برای فرد مشکلات جدیدی بیافریند. در این رابطه می توان با ایجاد مجتمع های بزرگ فرهنگی - تفریحی با جهت گیری معنوی و تربیتی برای جوانان کاری موثر در این رابطه انجام داد.

از جمله کارهایی که می توان برای پر کردن اوقات جوانان طراحی کرد می توان به طراحی مسابقات کتابخوانی، مقاله نویسی، شعر، عکاسی، فیلمنامه نویسی، داستان نویسی و... با مضامین معرفتی و عرفانی اشاره کرد که تمام این کارها می تواند با مشارکت و پشتیبانی سازمان ملی جوانان و سایر نهادهای مرتبط با جوانان و یا سایر دستگاه ها نهادهای مردمی انجام گیرد

همچنین این روندها می تواند در جذب مردم به معنویت ناب اسلامی و شکوفایی و کاربردی کردن آموزه های عرفانی اسلام بینجامد. برخاستن چنین موجی در جامعه باعث می شود که سایر مردم گمان کنند که اگر حرکتی معنوی را آغاز نکنند و نگاهی معنوی نسبت به زندگی پیدا نکنند، از حقیقتی گران قدر محروم شده اند. اگر چه در آغاز متوجه ژرفای معنویت و نیازشان به آن

نباشند ولی این احساس آنها را به سوی حقیقتی راهنمایی می کنند که بسیار بیش از آنکه در ابتدا تصور می کردند، ارجمند است. این مدل مردمی ترویج معنویت بی تفاوتی ها یا احتمال در خدمت قدرت بودن معنویت را منتفی کرده و گروه هایی از مردم را که در مدل های رسمی تر و دولتی به معنویات اقبال نشان نمی دهند، جذب می کند.

انقلاب اسلامی یک الگوی بزرگ سرچشمه جاری و زلال معنوی در جهان است و باید به روی تمام ابعاد و اجزاء زندگی انسان نگاهی معنوی بگشاییم و این نگرش را به جهان صادر کنیم. دنیا تشنه معنویت است و اگر پاسخ درست و پاک و زلالی نیابد از مرداب ها و لجنزارها خواهد نوشید. و اگر نگاه معنوی اسلامی را بیابد بی شک در ابعاد سیاسی و اجتماعی زندگی خود همین منظر معنوی را خواهد گشود و آنگاه پایان ستم و استضعاف و بازگشت به آزادی و عزت و عدالت را خواهد خواست و بدین سان زمینه ظهور خورشید هدایت و ولایت فراهم خواهد شد.

شانزدهم: ساختن خود مهم ترین راه ارشاد دیگران است

«مبلغان وارسته» از عالمان پرهیزگار، از خود گذشته، دلسوز، پارسا، هدایت گر، هدایت شده، اهل تزکیه و تهذیب نفس، صاحب اخلاق شریف و بیدار دلانی هستند که این فرمایش امام علی علیه السلام را چراغ راهنمای زندگی خود قرار داده و ضمن تعلیم و تأدیب خود، به هدایت و ارشاد دیگران می پردازند. «مَنْ نَصَبَ نَفْسَهُ لِلنَّاسِ إِمَامًا فَعَلَيْهِ أَنْ يَدَعَ تَعْلِيمَ نَفْسِهِ قَبْلَ تَعْلِيمِ غَيْرِهِ وَكَيْفَ تَأْدِيبِهِ بِسِرِّهِ قَبْلَ تَأْدِيبِهِ بِلِسَانِهِ وَمُعَلِّمُ نَفْسِهِ وَمُؤَدِّبُهَا أَحَقُّ بِالْإِجْلَالِ مِنْ مُعَلِّمِ النَّاسِ وَمُؤَدِّبِهِمْ» (مجلسی، 1368، ج 2، ص 56؛ نهج البلاغه، قصار الکلم، ش 73؛ مبلغان، شماره 36، ص 55)

«کسی که خود را در مقام پیشوایی و امام مردم قرار می دهد، باید بیش از آن که به تعلیم دیگران پردازد، به تعلیم خویش پردازد و باید تأدیب کردن او به عملش پیش از تأدیب کردن به زبانش باشد. کسی که معلّم و ادب کننده خویش است، به احترام، سزاوارتر است از کسی که معلّم و مربّی مردم است.»

بر این اساس هر کس که می خواهد عالم دین و پیشوا و مقتدای مردم باشد، باید ابتدا خودش را اصلاح و تهذیب کند و به وسیله عمل، مردم را به سوی دین دعوت نمایند. او باید پیشوایان معصوم را الگوی عملی خود قرار دهد، چنانکه عالم ربانی شیخ حسین بحرانی می نویسد:

«با دقت در طریقه اهل بیت علیهم السلام و تتبع در آثارشان، در می یابیم که آن بزرگواران، تنها با اخلاق کریمه خویش مردم را هدایت نموده و مجذوب دین ساخته اند و پیروان خود را نیز به همین امر دعوت کرده و فرموده اند: «مردم را با غیر زبان های خود بخوانید»؛ یعنی، با اخلاق خوب و رفتار نیکوی خود، برای آن ها الگو و نمونه باشید.» (بحرانی، 1380، ص 18)

مبلغان وارسته و فرزانه، با داشتن اخلاق و رفتار نیک و الهی، می توانند آثار و برکات بی کرانی در جامعه داشته باشند و با نفس معنوی و اخلاق پسندیده خود در مردم یک شهر، روستا، محله و... تأثیر بگذارند.

اصولاً بدون تزکیه و تهذیب نفس، تبلیغ و ارشاد دیگران معنا و مفهومی ندارد و دست زدن به این کار شریف، اقدامی سخت و پرخطر می نماید.

امام راحل رحمه الله درباره اهمیت تزکیه و تهذیب نفس قبل از اصلاح و ارشاد دیگران می‌فرماید: «باید دانست که مشکل‌ترین امور و سخت‌ترین چیزها دینداری است در لباس اهل علم و زهد و تقوا و حفظ قلب نمودن است در این طریقه و از این جهت است که اگر کسی در این طبقه به وظایف خود عمل کند و با اخلاص نیت وارد این مرحله شود و گلیم خود را از آب بیرون کشد و پس از اصلاح خود، به اصلاح دیگران پردازد و نگه داری از ایتم آل رسول نماید؛ چنین شخصی از زمره مقربین و سابقین به شمار آید. (بهارى، 1372، ص 96).

پس باید به این نکته توجه داشته باشیم که ممکن است در اثر درس‌ها، سخنرانی‌ها و نوشته‌ها، منبرها، مداحی‌ها و مرثیه خوانی‌های ما، صدها و هزارها نفر هدایت یابند و به سعادت و کمال نائل گردند، لیکن سعادت و کمال آنان، مستلزم نجات و رستگاری ما نخواهد بود. ما به آن‌ها گفته‌ایم و عمل کرده‌اند تا به سعادت و کمال رسیده‌اند، اگر خودمان اهل عمل نباشیم، ارشاد و هدایت آن‌ها برایمان سودی نخواهد داشت (امینی، 1386، ص 275 و 281).

هفدهم: مباحثه با نویسندگان و سخنرانان مکاتب عرفانی نوظهور

در بین سخنرانان و نویسندگان فعال این حوزه افرادی هستند که کاملاً با استفاده از منابع غیر اسلامی ولی با موفقیت به ترویج معنویت‌های نادرست پرداخته‌اند. مباحثه با این افراد توسط افراد خبره و با استفاده از شیوه‌های انسانی و اسلامی مباحثه که در منابع اسلامی نظیر قرآن و روایات آمده است که بیان آن‌ها مقاله جدایی را می‌طلبد و حتی الامکان با استفاده از منابع مورد تایید طرف مقابل آن‌ها در جلوی دوربین‌های صدا و سیما تاثیر بسیار زیادی را در جلوگیری از گرایش به این عرفان‌ها و دعوت افراد به عرفان اسلامی خواهد داشت علاوه بر آن می‌تواند بعدها نیز این مناظرات را در قالب کتابی چاپ نمود تا برای همیشه پایدار بماند همچنین در صورت هدایت شدن خود آنان به تبلیغ عرفان اسلامی نیز خواهند پرداخت.

هجدهم: محکم کردن اعتقادات جوانان در همان مقاطع ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان در اصول دین و گنجاندن مفاهیم عرفانی در کتب تحصیلی و بهینه کردن مطالب بعضی از کتب درسی

داشتن زیر بنای اعتقادی درست و قوی می‌تواند نقش مهمی در مراجعه نکردن به این معنویت‌های نوین را دارا باشد، به این بیان؛ شخصی که اصول اعتقاداتش را یاد گرفته و نسبت به آن علم پیدا نموده، سپس با مطالعه و بررسی، خود را به یقین نزدیک کرده، دیگر کمبود معنوی احساس نمی‌کند که بخواهد با این معنویت‌ها آن را بر طرف کند.

چون پر واضح است که؛ آنچه در این معنویت‌های نوین مورد نشانه قرار گرفته و قصد تغییر و القاء تردید در آن را دارند چیزی جز اصول اعتقادات مردم نیست

مهمترین و بهترین راه کار مقابله با این جریانات، محکم نمودن پایه‌های اعتقادی و مبانی دینی است، که به این وسیله می‌توان، در مقابل امواج مخرب شبهات، ایستادگی نمود. چرا که بسیاری از جریان‌های عرفانی مباحثی مانند وجود خدا، شان پیامبر اکرم (ص) و امامت را به شدت زیر سوال برده و توجه جوانان را به خود جلب می‌کنند برای رسیدن به این مهم داشتن یک برنامه

منظم، پرورش اساتید خوب معارف و امروزی کردن کتاب های تعالیم دینی متناسب با هوش و فهم بچه ها بسیار دارای اهمیت است به غیر از این مطلب گنجاندن مباحث عرفانی در کتب مقاطع مختلف از اهمیت فوق العاده ای برخوردار است

متأسفانه کتب دینی ما در مقام مختلف تحصیلی فاقد مفاهیم عرفانی است به طوری که هنگامی که یک دانش آموز و یا یک دانشجو با مباحث عرفانی موجود در عرفان های نوظهور مانند مبحث وحدت وجود، کار کردن به خاطر عشق به خدا و بررسی عبادات مختلف از دیدگاه عشق به خداوند متعال روبرو می شود بفکر می کند که ا مباحث جدید، جالب و دلنشینی مواجه شده است که در مکتب وی چنین مطالبی وجود نداشته است از طرفی این مفاهیم بهتر با وجدان وی نسبت به مفاهیمی که در مورد انجام اعمال به خاطر پاداش در بهشت و ترس از عذاب جهنم در کتب دینی (و نه به خاطر عشق به خدا) یاد گرفته است در تطابق در می آید بنابراین بلافاصله و بی تردید به سوی این مکاتب جلب می شود بدیهی است باید هر چه زودتر نسبت به گنجاندن چنین مفاهیمی در کنار مفاهیم دیگر این خلا پر شود

همچنین بهینه سازی متون درسی اخلاق و عرفان اسلامی در دانشگاه ها از اهمیت زیادی برخوردار است و به نظر می رسد افرادی که مسئولیت تالیف چنین کتبی را بر عهده دارند باید به صورت ناشناس مدتی را در بین جوانان بگذرانند تا مطابق نیاز فکری و فرهنگی آن ها این کتاب ها را بازسازی کند

نوزدهم : گفتن مفاهیم عرفانی مطابق با مخاطب شناسی و زبان شناسی امروز

عرفان اسلامی برای ارائه، نیازمند زبان و مخاطب شناسی امروزی است و نمی توان با خواندن آثار گذشته به تنهایی با جامعه امروزی ارتباط برقرار کرد و تحفه ای محبوب و دلنشین به جامعه فرهنگی ارمغان داد. معنویت های نوظهور با اینکه ساختار، اهداف و محتوای مناسبی ندارند، معمولاً ادبیات سهل و دلپذیری را به کار می گیرند که آشنایی با آن، اساتید و پژوهشگران عرفان اسلامی را برای بازخوانی یا تولید عرفان اسلامی برای مخاطب امروزی و در جامعه معاصر، توانمند می سازد. (روزنامه جوان / مظاهری سیف)

وقتی کسی را از کاری منع می کنیم، باید چیزی جایگزین به او معرفی کنیم، اگر به جوان امروزی بگوییم که سنت داریم این امر دیگر مساله جوان معاصر نیست، امام علی (ع) می فرمایند که «فرزندان به زمانه خودشان شبیه ترند تا به زمانه پدر و مادرشان»، این نکته کلیدی است، باید سنت را با بسته بندی جدیدی به جوان معرفی کرد تا او جذب شود. امروزه نمی توان به دانشجوی پزشکی گفت که «تجربیدالاعتقاد» خواجه نصیر را مطالعه کن، او نه می فهمد، نه زبانش را می داند نه برایش جاذبه دارد، اگر این کتاب را در بسته بندی جدید و به شکل و زبان جدید به او ارائه کنیم، این کار جوان را جذب می کند و او به مطالعه آن می پردازد و لذت می برد. (مقاله عرفان اسلامی و چالش های جهان معاصر - روزنامه جام جم پنج شنبه 29 بهمن 1388)

بیستم : انجام کارهای موثر فرهنگی

- 1- تدوین منشور اخلاق برای سازمان‌ها و نهادها و تلاش برای اجرای آن به صورتی که مزایای اجرای آن در قالب خداشناسی و عشق الهی به کارمندان و کارکنان گفته شود
- 2- باید از ظرفیت‌های بالای مساجد و هیات‌ها و مراسم مذهبی برای ترویج عرفان اسلامی به مردم و نهادینه کردن عشق الهی و خدمت به خلق و ایثار و در نهایت مقام فنا در راه خدا و رسیدن به درجه مخلصین را به صورت کاربردی و به روز آموزش داد
- 3- ترویج و حمایت از فضائل مانند عشق به خدا، عبادت، حیا، احترام به بزرگ‌تر، مهربانی، غیرت، مهمان‌نوازی و... در قالب مسابقات، سخنرانی، کتابخوانی و ساخت فیلم از موثرترین کارها خواهد بود
- 4- ترویج فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر، ایجاد حساسیت ارزشی و پرورش روحیه مواجهه با عوامل آسیب‌زای بهداشت روانی و اسباب تهدید سلامت معنوی جامعه از طریق تشکیل تیم‌های گسترده کارآمد و آموزش دیده امر به معروف و نهی از منکر در بین مردم به ویژه جوانان به صورتی که در ابتدا خود عمل کرده و سپس با روی خوش و طریق پسندانه به ترویج آداب درست در جامعه بپردازند
- 5- توجه بیشتر مادی و معنوی به مراکز گروهی مانند پادگان‌ها و زندان‌ها، بهزیستی و مراکز بازپروری با به کارگیری مدیران دلسوز، تأمین بودجه مناسب فعالیت‌های فرهنگی و ایجاد ساختار کارآمد تربیتی- معنوی به طوری که افراد با خروج از این مکان‌ها انسان‌هایی درست و صادق با طریقت عرفانی اسلامی به جامعه وارد شوند و به خدمت به مردم و حتی تبلیغ طریقت اسلامی بپردازند
- 6- قبل از انجام هر فعالیتی باید آسیب‌شناسی فرهنگ عمومی در عرصه رفتار و باورهای معنوی صورت گیرد و برنامه‌های لازم و دستورالعمل‌های متناسب با آن طراحی گردد
- 7- باید در هر صنفی از شخصیت‌های اخلاقی و معنوی تجلیل گردد و افراد نمونه را نیز با ارائه نکات کاربردی معنوی زندگی آنها به مردم معرفی گردد

بیست و یکم: مشارکت آموزش و پرورش

آموزش و پرورش علاوه بر بازبینی مطالب درسی که در مباحث گذشته می‌بایست مشارکت فعالی از طریق بازآموزی معنوی پدران، مادران و مربیان توسط نهاد انجمن اولیا و مربیان داشته باشد چرا که خانواده مسئول تربیت فرزندان است و بدیهی است تنها اصلاح مدارس کافی نخواهد بود و باید خانواده‌ها نیز با مفاهیم عظیم عرفانی آشنا گردند تا بتوانند همراه با مدرسه نسلی را تربیت کنند که پایه‌های معرفتی بالایی داشته باشند با این شرایط پر واضح است که در این جامعه علاوه بر آن که مشکلات اجتماعی، معنوی و روانی نخواهیم داشت بسیاری از مشکلات اقتصادی نیز حل خواهد شد و به همین خاطر است که قرآن بیش از هر چیزی بر انقلاب فرهنگی تأکید می‌ورزد

از طرفی دیگر باید برنامه های معنوی که در مراکز رسمی و غیر رسمی آموزش و پرورش از سطوح مهدکودک تا مراکز آموزش عالی و حتی حوزه های علمیه بهینه تر از وضعیت موجود باشد و آموزه های عظیم عرفانی در آن برنامه ها با توجه به سطوح مختلف و متناسب و با مخاطب شناسی خاص گنجانده شود

مبَلَّغان و ارسته و بایسته ها

عارفان و دانشمندان اخلاق و ادب، سفارش ها و رهنمودهای گران مایه و آگاهی بخشی در زمینه اخلاق و رفتار مبلغان و دانشمندان دینی دارند و خود نیز بهترین نمونه و الگوی این خواسته ها و رهنمودها بودند.

یکم. نخستین سفارش و دستورالعمل اخلاقی و عرفانی به مبلغان و واعظان، اصلاح نفس و تصفیه درون از ناپاکی ها و نقص ها و مواظبت بر دوری از گناهان و محرّمات است.

عارف کامل بهاری همدانی رحمه الله در این زمینه می فرماید: «ابتدا بر خود مبلّغ و دانشمند واجب است که از اصلاح نفس خود آغاز کند و بر انجام طاعات و ترک محرّمات مواظبت کند.» (بهاری، 1372، ص 129 و 104)

همو می فرماید: «فرقه ای از [واعظان] هستند که تهذیب اخلاق کرده و تصفیه نفس از لوث کدورات نموده و نفس را از شواغل و علائق دنیویہ استخلاص فرموده و طمع خود را از خلق به سوی حقّ گردانیده اند...» (همان)

دوم. مبلغان سعی کنند، جمیع مکارم و فضایل اخلاقی را در خود جمع کنند و از دنیاپرستی و مال دوستی گریزان باشند. عالم ربانی سید جعفر کشفی می نویسد: «عالمان و مبلغان، منزّه باشند و تواضع، فروتنی، شکسته نفسی، حلم و بردباری در تعلیم و فتوا دادن به مردمان را شیوه و شعار خود سازند و زهد در دنیا و اعراض از زخارف و امتعه و لذّات فانیه آن را بنمایند و یأس از نفس و ریا و خلق پرستی را التزام نمایند و طریقه اخلاص و توکل و رغبت در آخرت و تهیّو بر مردن قبل از آمدن مرگ را، زاد و توشه خود نمایند.» (کشفی، 1375، ص 157)

سوم. جهاد اکبر و مبارزه بی امان با خواهش های نفسانی و هواهای درون، از صفات بایسته مبلغان است که در هیچ حال نباید ترک شود. عارف بنام ملکی تبریزی رحمه الله در این زمینه می نویسد: «از کارهای مهم برای اهل علم، امامت جماعت و وعظ است... اگر عالم، قوی و مجاهد بوده و از کسانی باشد که مدتی با نفس خود جهاد کرده و در طول جهاد، راه های پنهان نفوذ شیطان و پوشش های هوای نفس را پیدا کرده، نباید امامت جماعت و وعظ را به کلی رها کند، زیرا این دو مورد اهتمام شرع است.» (ملکی تبریزی، 1386، ص 281)

چهارم. از خصال و ویژگی های دیگر مبلغان و دانشمندان در نظر عارف ربانی مرحوم بهاری همدانی رحمه الله فروتنی، داشتن خوف و خشیت از خدا و خشوع و خضوع دائمی است:

«باید شکسته و حزین و ساکت و سرپایین باشد و آثار خوف و خشیت و خضوع و خشوع در وی نمایان باشد که هر که او را ببیند، متذکّر به الوهیت گردد. سیمای او دلالت بر علم کند...» (بهاری، 1372، ص 96)

پنجم. تَخَلَّق و زینت یافتن به اخلاق و مکارم برجسته و فضایل انسانی، از دیگر صفات و ویژگی‌های «مبلغان وارسته» است. شارح رساله سیر و سلوک، آیت الله مدرس هاشمی ضمن اشاره به این مهم، می‌گوید:

«همه افراد - به خصوص علما و طلاب و مدرسین محترم و کسانی که در لباس روحانیت هستند - لازم است خود را متخلّق به فضایل اخلاقی کنند و با کوشش و مجاهدت، خود را از رذایل اخلاقی، تخلیه کنند تا گفتارشان در دیگران مؤثر افتد؛ چه آن که موعظه اگر از دل بر آید، بر دل نشیند.

امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «إِنَّ الْمَوْعِظَةَ إِذَا خَرَجَتْ عَنِ الْقَلْبِ دَخَلَتْ فِي الْقَلْبِ وَإِذَا خَرَجَتْ عَنْ مُجَرَّدِ اللِّسَانِ، لَنْ تَتَجَاوَزَ الْأَذَانَ؛ موعظه اگر از دل خارج شود، در دل می‌نشیند و اگر صرف لقلقه زبان باشد، از گوش‌ها، تجاوز نمی‌کند. (مدرس هاشمی، 1377، ص 53 و 54)

ششم. یکی دیگر از صفات و ویژگی‌های اخلاقی و عرفانی ناصحان و واعظان، داشتن سوز و گداز در مجالس سخنرانی است. در این باره دانشمند گران پایه مرحوم محدث نوری رحمه الله می‌نویسد:

«سزاوار است که ارباب دانش و بینش، مجالس مصائب حضرت ابی عبدالله علیه السلام را... به دست دیندار دلسوزی دهند که در مجالس، اهل تقوا و دیانت و غیرت و عصیبت، بخوانند و بسوزند و بگریند و از خدای تعالی تعجیل فرج و ظهور سلطان ناشر عدل و امان و باسط فضل و احسان و... را بخواهند. (نوری، 1388، ص 206)

هفتم. الگو برداری از عارفان و حکیمان و رعایت شؤون علم و حکمت، از صفات برجسته مبلغان و عالمان دین است. آنان هم خود کسب نور و صفا می‌کنند و هم به دیگران گرمی و صفا می‌بخشند. علامه راغب اصفهانی در این رابطه می‌گوید: «بر واعظ لازم است که تناسبی با حکما داشته باشد تا بتواند از آن‌ها استفاده کند... و مناسبتی هم با مستمعین خود داشته باشد تا آنان بتوانند از او بهره گیرند... مانند پیامبر که خداوند او را از بشر انتخاب کرد و قدرت ملائکه را به او داد تا بتواند احکام الهی را از ملائکه بگیرد و به مردم برساند...»

سزاوار است که واعظ خود موعظه پذیرد و سپس دیگران را موعظه کند...، بلکه مانند خورشید باشد که به ماه نور می‌دهد و خودش بیش از آنچه به ماه می‌دهد نور دارد و مانند آتش باشد که آهن را داغ و سرخ می‌کند و خودش داغی بیشتری دارد. نیز بر او لازم است که اعمالش برخلاف گفتارش و حالاتش تکذیب کننده زبانش نباشد...» (اصفهانی، 1376، ص 138 و 139)

هشتم. ذکاوت: ما دینداران متعهد، نماز شب خوان، اما غیر زیرک داریم که مناسب کار تبلیغ نیستند؛ در واقع یک مبلغ باید از قدرت تصمیم‌گیری بالایی برخوردار باشد که از هوش و ذهن خلاق آنها سرچشمه می‌گیرد. به تعبیر دیگر در هنگام مواجهه با مشکلات متعدد، باید تشخیص دهد که چگونه برخورد کند تا مسیر مشکل را تغییر دهد. به عنوان مثال، اگر پلیس آن کشور به او گفت که تدریس قرآن در اینجا ممنوع است نباید آن مبلغ خود را بیازد و بگوید برگردم به ایران؛ یعنی باید خود قدرت تصمیم‌گیری داشته، راهکار دیگری را برای تبلیغ انتخاب کند. اگر تدریس عرفان اسلامی ممنوع شد، مباحث تزکیه نفس که با دیگر ادیان مشکلی ندارد را تدریس کند.

نهم شجاعت: اگر مبلغ خلافت داشته باشد، اما شجاعت نداشته باشد در مواجهه با سختی‌ها و شداید دچار اضطراب و خودباختگی می‌شود

دهم. نویسنده باشد: اگر مبلغ دینی قدرت نوشتن نداشته باشد و صرفاً براساس بیان و امور شفاهی به تبلیغ پردازد، در صورتی که شرایطی در خارج از کشور بروز نماید که از طریق بیان و خطابه نتوان پیام دین را به تشنگان معارف رساند در عمل اصل مقوله تبلیغ منتفی خواهد شد. به عنوان مثال ممکن است سخنرانی در جامعه‌ای ممنوع شود این جاست که نوشتن مقالات در روزنامه‌ها و مجلات بهترین راهکار تبلیغ است

یازدهم - آشنایی و تسلط بر زبان: امروزه آشنا بودن با زبان خارجه یکی از اصول مهم تبلیغ است چرا که بیشتر مقالات علیه اسلام به زبان انگلیسی است همچنین بسیاری از مکاتب عرفانی نیز کتاب‌هایشان به زبان انگلیسی است بدیهی است راه مقابله با آن‌ها آشنایی کامل مبلغان با زبان انگلیسی و مسلط شدن به مفاهیم موجود در کتاب‌های آن‌هاست

دوازدهم آراستگی ظاهر: در هر جایی به خصوص در خارج از کشور بسیار به زیبایی پوشش و شکل و نوع لباس اهمیت می‌دهند. حال تصور کنید یک مبلغی با ظاهری در هم ریخته به آن مناطق وارد شود؛ به طور طبیعی کلام این فرد مؤثر نمی‌افتد. شیک‌پوشی و حفظ ظاهر، نوع ریش و نوع لباس به عنوان یکی از عوامل غیر مستقیم تاثیرگذار بر میزان نفوذ اجتماعی مبلغ در میان مخاطبین می‌باشد.

سیزدهم - آشنایی اجمالی با علوم متداول: یک مبلغ در عرصه بین‌الملل الزاماً باید در حد متعارف (نه تخصصی) با کلیات علوم مختلف آشنایی داشته باشد؛ زیرا در صورتی که از موارد کلی و معمولی رشته‌های مختلف علمی بی‌اطلاع باشد، در برقراری روابط با طبقات مختلف مردم منطقه مأموریت‌بخصوص اندیشمندان علوم گوناگون دچار بحران ارتباطی می‌شود و چه بسا نتواند رسالت فرهنگی و دینی خود را به نحو مطلوب برآورده سازد.

چهاردهم: شرکت خود مبلغان به شکل ناشناس در محافل شبه عرفانی: بدیهی است که تنها با خواندن کتاب‌های یک مکتب یا اندیشه نمی‌توان به عمق زوایای آن تفکر دست یافت به همین منظور حتماً باید مبلغان در کلاس‌ها و محفل‌های یک مکتب فکری شرکت کنند انتقادات خود را با آن‌ها مطرح کند و سپس به نقد آن پردازد

مبلغان آفات و کاستی‌ها

کسی که اهل وعظ و تبلیغ است، سعی می‌کند که از آفت‌های این راه دوری جوید و کاستی‌ها و معایب را برطرف سازد و اخلاق و رفتار خود را زینت دهد. در این صورت می‌تواند به هدایت و ارشاد دیگران مشغول شود.

امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید:

«لَا يَصْلَحُ لِمَوْعِظَةِ الْخَلْقِ إِلَّا مَنْ جَاوَزَ هَذِهِ الْآفَاتِ بِصِدْقِهِ وَأَشْرَفَ عَلَى عُيُوبِ الْكَلَامِ وَعَرَفَ الصَّحِيحَ مِنَ السَّقِيمِ وَعَلَّلَ الْخَوَاطِرَ وَفَتَنَ النَّفْسَ وَالْهَوَى؛ (جعفر بن محمد (ع)، 1361، ص 192)

آن کسی شایستگی موعظه خلق را دارد که با صداقت از این آفت‌ها گذشته باشد و بر عیوب سخن گفتن واقف باشد و درست را از نادرست تشخیص دهد و به بیماری‌های دل‌ها و فتنه‌ها و هوای نفس آشنایی داشته باشد.»

امام علیه‌السلام درباره این آفات و کاستی‌ها می‌فرماید:

«آفَةُ الْعُلَمَاءِ عَشْرَةُ أَشْيَاءَ: الطَّمَعُ وَالْبُخْلُ وَالرِّيَاءُ وَالْعَصْبِيَّةُ وَحُبُّ الْمَدْحِ وَالْخَوْضُ فِيمَا لَمْ يَصْلُوا إِلَى حَقِيقَتِهِ وَالتَّكَلُّفُ فِي تَرْزِينِ الْكَلَامِ بِزَوَائِدِ الْأَلْفَاظِ وَقِلَّةُ الْحَيَاءِ مِنَ اللَّهِ وَالْإِفْتِخَارُ وَتَرْكُ الْعَمَلِ بِمَا عَلِمُوا (همان، ص 190)

آفات اهل علم ده چیز است: طمع و بخل و ریا و تعصب در رأی و علاقه به ستایش و فرورفتن در چیزی که به حقیقت آن نمی‌رسند و به سختی انداختن خود برای زینت بخشیدن به سخن با الفاظ زیاد و کم شرمی از خدا و فخرفروشی و عمل نکردن به آنچه که می‌دانند.»

امام راحل رحمه‌الله نیز می‌فرماید: «اگر شما درس بخوانید، ممکن است عالم شوید؛ ولی باید بدانید که میان مهذب و عالم خیلی فاصله است... مواظب باشید مبدا پنجاه سال با کد یمن و عرق جبین در حوزه‌ها، جهنم کسب نمایید؛ به فکر باشید. در زمینه تهذیب و تزکیه نفس و اصلاح اخلاق برنامه تنظیم کنید. خدا نکند انسان بیش از آن که خود را بسازد، جامعه به او روی آورد و در میان مردم نفوذ پیدا کند؛ خود را می‌بازد. تا ریش سفید نشده، کاری نکنید.

از آن جایی که مبلغان و واعظان، در هدایت و راهنمایی بشر، از پیامبران و امامان پیروی می‌کنند و برجایگاه رفیع ارشاد و هدایت تکیه زده‌اند، باید خود را از آفات و کاستی‌های این راه در امان دارند و از رذایل و خصلت‌های ناپسند اخلاقی دوری جویند.

عالم ربّانی سید جعفر کشفی رحمه‌الله در این رابطه می‌نویسد:

«باری مرتبه ایشان (واعظان و ارشاد کنندگان)، بعد از مرتبه پیغمبران و امامان است و بالاتر از آن مرتبه‌ای نمی‌باشد و خلیفه اعظم و اقدم خداوند می‌باشند در نشر نمودن و تعلیم کردن علم به بندگان و باید که قدر این مرتبه را بدانند و خود را از آفات محفوظ دارند و آفات این مرتبه، کبر، نخوت، تندخویی، حبّ دنیا، حبّ جاه و ریاست، حبّ خوراک، حبّ خواب، حبّ راحت، حبّ زنان، حرص مال و جمع مال، حسد، اتباع هوا و طمع در خلق است و باید که از همه این‌ها اجتناب نمایند و منزّه باشند.

نتیجه گیری :

طبق آن چه که بیان شد یک مبلغ در ابتدا و پیش از شروع هر کاری باید به اصلاح خود بپردازد و بر کمالات خود بیفزاید و از کاستی‌های خود کم کند چرا که مهم‌ترین و بهترین روش تبلیغ دین عمل است به این معنا که مردم اسلام را در رفتار او مشاهده کنند همراه با این کار نیز برای انتقال مفاهیم بلند نظری دین به مخاطبان باید از روش‌های مدرن و جدید و در عین حال کاربردی استفاده کرد روش‌هایی مانند نمادسازی، داستان‌سرایی، سبک‌های مختلف رسانه‌ای و... که باید همگان و در کنار یکدیگر به انجام این نقش مهم یعنی اطلاع‌رسانی به مردم در حوزه دین بپردازند از طرفی باید موسساتی به وجود بیایند که به طور تخصصی به آموزش مفاهیم بلند عرفانی مشغول شوند که حمایت دولت از آن‌ها ضروری است چرا که امروزه مبحث عرفان به یک موضوع پر اهمیت تبدیل شده است که غفلت از آن و عدم آموزش عرفان اسلامی با روش‌های جدید و به روز منجر به خسارات بزرگی به فرهنگ جامعه اسلامی می‌گردد و چه بسا که عده زیادی به دلیل ندانستن جنبه عرفانی دین به عرفان‌های نوظهور رویاوارند لذا می

بایست ضمن اهمیت دادن به موضوع آموزش عرفان اسلامی به مردم و به خصوص جوانان از شیوه ها و روش هایی استفاده کرد که این مفاهیم با زبان امروزی به خوبی منتقل گردد تا همگان در مقابل این تهاجم فرهنگی واکنش نگردند ناگفته نماند که تنها شور و اشتیاق برای تبلیغ دین اهمیت ندارد بلکه روشی که فرد استفاده می کند نیز باید مطابق شرایط روز و کاربردی باشد که در این مقاله به معرفی برخی از این روش ها پرداختیم با امید به آن که با به کارگیری آن ها بتوان به طور چشمگیری با انتقال مفاهیم عرفانی به مردم در مقابل تهاجم فرهنگی و به خصوص عرفان های نوظهور ایستادگی کرد و حتی طرفداران این نوع عرفان ها را نیز در خارج کشور با راهکارهای مناسب و در خور به عرفان اسلامی دعوت کرد .

منابع:

1. قرآن کریم
2. نهج البلاغه
1. امینی ، ابراهیم ، خودسازی ، 1386، قم ، شفق
2. مرکز تحقیقات اسلامی نمایندگی ولی فقیه، تهاجم فرهنگی، 1378، تهران، انتشارات معاونت فرهنگی سپاه
3. مجلسی، محمد باقر ، بحارالانوار، جلد 10 و 2 و 72، 1362، تهران، دارالکتب الاسلامیه
4. مطهری، مرتضی ، تعلیم و تربیت در اسلام، 1367، تهران، صدرا
5. ساجدی، ابو الفضل، دین گریزی چرا؟، 1384، قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره)، مرکز انتشارات
6. حمیدرضا شاکرین، پرسش ها و پاسخ های دانشجویی ، 1385، قم ، معارف
7. محبتی، مهدی، مقاله عرفان اسلامی و چالش های جهان معاصر، روزنامه جام جم ، پنج شنبه 29 بهمن 1388
8. بهاری ، محمد ، تذکره المتقین ، ۱۳۷۲ ، تهران ، مصطفوی
9. کشفی، جعفر بن ابی اسحاق، میزان الملوک و الطوائف و صراط المستقیم فی سلوک الخلائف، 1375، قم، حوزه علمیه قم، دفتر تبلیغات اسلامی مرکز انتشارات
10. ملکی تبریزی ، جواد ، المراقبات ، ترجمه محمودی گلپایگانی، 1386، تهران ، لاهوت
11. مدرس هاشمی، حسن، شرح رساله سیر و سلوک: منسوب به سالک الی الله حکیم متاله و فقیه تشرع آقا محمد بیدآبادی ، مصحح علی کرباسی ، 1377، اصفهان ، کانون پژوهش
12. نوری، حسین بن محمد تقی، لولو و مرجان، تحقیق و بازنویس جابر رضوانی، 1388، قم ، بنی الزهراء
13. اصفهانی ، راغب ، کرانه سعادت ، 1376، قم ، موسسه فرهنگی - انتشاراتی ولی عصر(عج)
14. جعفر بن محمد (ع)، امام ششم، مصباح الشریعه و مفتاح الحقیقه، ترجمه زین العابدین کاظمی خلخالی، 1361، تهران، حجر
15. بحرانی ، حسین ، سلوک عرفانی ، ترجمه دکتر علی شیروانی ، 1380، قم ، شیروانی
16. در این مقاله از گفت و گو های حجت السلام مظاهری سیف با سایت ها و رسانه های مختلف نیز استفاده شده است.

17. کارگر، رحیم، مقاله تبلیغ در سیره و گفتار عارفان - مبلغان وارسته، دو ماهنامه مبلغان، شماره 35، 1381، معاونت تبلیغ و آموزشهای کاربردی حوزه علمیه قم

18. روزنامه جوان / مظاهری سیف

19. www.shia-online.ir

20. سایت جنبش سرخ حسینی

21. newerfan.parsiblog.com

22. Bashgah.net

23. www.findfa.com

24. مرکز خبر حوزه

25. haqiqat.mihanblog.com

26. خبرگزاری فارس

27. پایگاه حوزه

28. www.jamejamonline.ir

29. ایکننا

30. <http://www.rasekhoon.net>

31. porsojoo.com